

کتاب ۱

۱) با توجه به سبای مرحوم آخوند که اسم و حرف همانند (ابتدا) و (من) از نظر موضوع که مستقل می باشد تفاوت ندارند چرا یکی از آن روی جای دیگری استعمال نمی شود ؟

کلمه بین و ابتدا از نظر معنا متحد و از نظر نحوه وضع برای استعمال تفاوت دارند یعنی واقع یکی را وضع کرده برای دلالت معنا در غیر و دیگری را برای دلالت با الاستقلال معنا وضع کرده است.

۲) واجب مشروط = شرط آن از مقود حیاتی بوده و واجب معتد به شرط است

له به نظر صاحب مضمون واجب معلق چیست ؟

ما يتعلق وجوبه بالمتكف و يتوقف حصوله على امر غير مقدر له.

۳) آیا نزاع صحیحی واقعی درباره الفاظ معاملات جاری است یا خیر ؟ به چه دلیل ؟

- ۱- برای سبب (نفس عقد در هر معامله) وضع شده باشد. مثل عقد بیع و عقد اجاره. ✓
- ۲- برای سبب از عقد (یعنی اثر حاصل از آن، مثل ملکیت اجاره) باشد. ✗

با وجود احتمال درم الفاظ معاملات از محل نزاع بیرون خواهد بود زیرا در معنای الفاظ ^{معنا} امر دائرین وجود و عدم است، نه صحت و نساد آنها به حسب احتمال اول در محل نزاع وارد است. آیا لفظ بیع برای خصوص عقد صحیح وضع شده یا برای اعم از آن ؟

۴) مرحوم آخوند مکتوب استعمال لفظ در اکثر از معنا عقلاً جاری نیست، دلیل استیان را بنویسید !

هر لفظی در هنگام استعمال آن به زمانی معین معناسست و بدینجهت است که یک لفظ نمی تواند برای دو یا چند معنای مستقل واقع شود یعنی متکلم هنگام استعمال ، ۲ یا چند لحاظ متضاد را در لفظ واحد و آن واحد است باشد چنین چیزی عقلاً اجتماع معین و مجاز است

۵) قائلین به وضع مستثنی برای اعم به استقلال امام (ع) « لا ینال عهدی الظالمین » برای عدم لیاقت عابد صمیم برای رسیدن

به منصب امامت تشکیک نموده اند، پاسخ آخوند از این بیان چیست ؟

تشکیک ائمه (علیهم السلام) به آیه ترفیع دلاله بر وضع مستثنی برای اعم ندارد، زیرا صفت شرک از صفاتی است که به معنی حدوث، موجب سلب صلاحیت فرد از مقام امامت و خلافت می شود لذا استعمال مجازی آن در مقصد، اخلالی به تشکیک ائمه (ع) وارد نمی سازد.

(۶) نه نظر مرصوم آخوند، موافقت در مخالف آمدن نفس « موجب استعانة ثواب و عقاب هر مورد » به خلاف امر غیره.

صحت استعمال اللفظ فيما يناسب ما وضع له، هل هو بالوضع أو بالطبع؟ لهذا؟ بالطبع است، به خاطر تفاوت در حدان.

(۷) درابطه با واجب مشروط مرصوم شیخ می فرماید « شرط به هیئت برین گردد » دلیل مرصوم شیخ را پاسخ آخوند را بنویسید؟ دلیل شیخ، هیات معای حری دارد از خودش استقلال ندارد لذا بنفس عام و موضوع له آن خاص است یعنی واقع معای کلی طلب و جوی را در نظر گرفته ولی در مقام وضع آن را بر این مصادیق و جزئیات خاصهاش وضع کرده - حال که موضوع له آن مصادیق خاصه شدن تواند مطلق باشد چرا که اطلاق از عوارض ما فهمیم کلی است - اما چون ماده همیشه مفهوم کلی است می تواند معروض آن در واقع شود. (پاسخ آخوند در سؤال ۱۱)

(۸) نظر آخوند در رابطه با طلب را اراده چیست؟ معای طلب را اراده یکی است و تفاوت در اضراف آن در است، یعنی ماده طلب اضراف به طلب استثنای ماده اراده اضراف به اراده حقیقی دارد.

(۹) در معای امر کدام معای مقابل معبر است؟ استقلاء □ غلو □ یکی از آن در □ هر دو □

(۱۰) در رابطه با مقدمت مقدمه واجب کدام مسائل محل بحث است؟ مقدمه وجود - مقدمه صحت - مقدمه علم.

(۱۱) پاسخ آخوند - شیخ در رابطه با (سؤال مورد ۷ ↑) : موضوع له چون عام است نه خاص، از اینرو هیات امر بر این کلی طلب وضع شده می تواند مطلق و یا مقید باشد و استلال آن مانده هیات.

۲. اگر هم بنویسیم که موضوع له آن خاص با اما استعمال مذکور زمانی لازم می آید که اول طلب و جوی انشاء شود ولی اگر از ابتدا طلب مقید انشاء شود استکالی لازم نمی آید

(۱۲) اجزاء علوم به چند قسم تقسیم می شود توضیح دهید؟

- ۱- موضوع : چیزی که در هر علم از احکام، آثار و عوارض دانسته آن بحث می شود.
۲. مسائل : مضایق و مباحث مربوط به یک علم که پدیدارون بیان احکام، آثار و عوارض موضوع بحث می کنند
۳. مبادی { مقدمات } مقدمات

۱۳) علم را با شیء دهد؟ «صحة استعمال اللفظ في ما يماثل ما وضع له، هل حق بالوضع أو بالطبع؟ لماذا؟
بالطبع است - زیرا اگر بالوضع بود لازم می آمد که لفظ مجهول وضع شده باشد (دلیل مصنف تفاوت جدا است)

۱۴) به نظر اخوند، هیأت مشتق در خصوص چه چیزی وضع شده؟ در خصوص متلبس به مبدأ وضع شده.

۱۵) محل نزاع در بحث مشتق را همراه مثالی برای آن تبیین کنید؟
حل نزاع اینجاست که آیا استعمال مشتق «فما انتقض عنه المبدأ» [استعمال ضارب نقلاً در شخصی که در دروزه است و اکنون دیگر ضارب نیست] به نحو حقیقت است یا مجاز؟

۱۶) مراد از کلمه «حال» در جمله مقابل چیست؟ هل المشتق حقيقة في خصوص ما تلبس بالمبدأ في الحال أو في الأعم؟
مراد از حال، حال تلبس است نه حال نسبت.
حال تلبس یعنی زمانیکه ذات مصنف به مبدأ بوده است مثلاً، زید مسعود به زدن بوده است.
[این نظر مرحوم اخوند - حضرت امام (ع) و آثار خودی می باشد در حالیکه صاحب فصول آن را حال نسبت می گویند.]

۱۷) نظر مرحوم صاحب کفایه درباره معانی مختلف ذکر شده برای صنف امر چیست؟ (مثلاً ترقی، تهدید، تمنی و...)
نظر ایشان این است که لفظ امر دو معنی لغوی و عرفی دارد: ۱- معنای مصدر طلب ۲- مصدر ترقی و تحویط

۱۸) ثمره بحث صدر را همراه مثال توضیح دهد؟ بنا بر قول امریه شیئی نمی از فند (نمی کند، نماز باطله) در برابر از انجام است.
معروف ترین ثمره این است که بنا بر قول اقتصاء (ازالمه نطاست که بآن امر شدیم) اگر براس هندی از امور عبار
مئل نماز وجود است، بنا بر قول عن عبارت موجب نسا دان است؛ این امر مقتضی نسا دان عبارت خواهد بود
و اگر شخص به جایی ازاله نجاست نماز بخواند، نماز او باطل است - اما بنا بر اکتفاء، عبارت مذکور صحیح است.

۱۹) صمت حمل به حمل اولی ذاتی «علامت حقیقت» در جمله شایع «علامت مهادن بودن لفظ برای معنی» است.
به صنف امر فقط حقیقت در وجوب است.

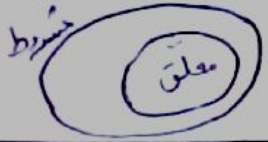
به اجزاء واجب، مستصحب به وجوب نفسی هستند، فقط.
به در بحث مشتق آمده که در

ما کان مضمومه و معناه جاریاً علی الذات و شترعاً عنها بلاحظه انما مضاف او عرضی ولو کان جامداً.

۲۰- تفاوت واجب مشروط و معلق چیست؟

۱- واجب مشروط، وجوبش مشروط است (مثل حج که مشروط به استطاعت است) - ولی واجب معلق، انجامش مشروط به امری است (غایز که معلق به وهو است)

۲- رابطه این دو واجب عموم خصوص مطلق است؛ یعنی شرط واجب در واجب مشروط اعم است از آنکه ذاتاً مقدر تکلف باشد یا مقدر اوست و در واجب معلق نقطه باید مقدرش باشد.



۲۱- اصطلاحات زیر را توضیح دهید؟

وجوب نفسی: واجبی که ذاتاً مطلوب شارع است مانند نماز - در مقابلش واجب غیر نفسی است مثل وضو که واجب شد برای انجام نماز وجوب کفایی، نوعی از وجوب است که در آن، موضوع تکلیف صرف الوجود از طبیعت است که بر ذمه همه مکلفین استقرار پیدا کرده و سبب استحقاق ثواب و عتاب است و فرض مولد با انسان همان صرف الوجود نامش می شود (نماز است) ضد عام، عنوان عدمی به معنای ترک ماصوره به. و ضد خاص، عنوان وجودی است. نفسخ: باطل شدن و منسوخ شدن حکم رجوعی چیزی.

۲۲- مفهوم آفوندر در تریب علم اصول این جمله را همانند کرده؟ «رأی الیٰ نینقی الیٰ فی تمام العمل».

تعریف آفوندر: «علم اصول عبارت است از یک علم کاربردی که از طریق آن می توان قواعدی را که ممکن است در طریق استنباط احکام به کار رود و یا در مقام عمل به آنها تمسک حسب سناقت» نسبت به تعریف مصنف، مشهور چهار اشکال دارند که ما این جمله اشکال چهارم آن بر طرف می شود.

اشکال چهارم، بعضی از قواعد علم اصول، جای فایده استنباط، نایده عملی دارند. (اشکال چهارم مشهور)

۲۳- آیا آنچه مرسوم آفوندر درباره موضوع له اسما، اشاره و ضمایر گفته است در مورد موضوع له موصولات هم صادق است؟ چرا؟ بله، یعنی رضع عام، موضوع له خاص برای اسما، اشاره و موصول و حروف می باشد.

(این جمله با سؤال ۹۱ تفاوت دارد)

۲۴- آیا مکاتبات رضعی غیر از رضع مفردات دارند؟ مصنف می گوید، ندارند و بالرحبان باطل است.

مکاتبات دارای رضع شخصی مرکب از مجموع ماده و حیاتی نیستند؛ دلیل ۱- ماضی رضع بر مواد حیاتی بنا بر یک رضع شخصی است. ۲- اگر چنین رضعی موجود باشد باید هر مرکب معین در دلالت باشد. (مفردات و حیاتی مرکب)

۲۵) در عبارت آنچه وضع یقینی به دو صورت تصور شده ، آن هارا توضیح دهید ؟

- ۱- وضعی که با تصریح نمودن رافع به اشاء وضع لفظ برای معنای مورد نظرش شکل میگیرد ، مثل : نامگذاری فرزندان توسط پدر
 - ۲- وضعی که در آن رافع لفظ را در معنای مورد نظر به صورت استعمال حقیقی بدون استفاده از قرینه مهارف استعمال می کند ، رافع در اینجا توسط اشاره یا قرینه به مخاطب میفهماند که این استعمال به صورت حقیقی و نه بنا بر قرینه مهارف است .
- ملکت ، اولین استعمال در اینجا نه حقیقی است و نه مجازی و اسطوره هم در این نیست زیرا ملاک در همه استعمال حقیقی آن استعمال است و حقیقی یا مجازی بودنش لزومی ندارد .

۲۶) کلمات همچون صلاة و صوم « معنای مستحدثه یعنی معنای جدید شرعی » دارند .

له به نظر آخوند تهرانی به مبداء حقیقاً معتبر است .

له لفظ امر حقیقت در وجوب دارد ، و موضوع له ماده امر « طلب اشاء » است .

← مقدمه مستحب ، مستحب است ، ملازمه

← مقدمه حرام و مکروه حکمان مثل هم است یعنی مصنف میگوید ، تفصیل می شود اگر مقدمه علت نام برای ذلالت مقدمه بود ،

است /
ملزومه
حرام یا
وجود ملازمه
حیب
مؤثر

۲۷) مصنف میگوید : در عبارت باهر عبارة مقتضی « فساد » آن است .

بعضی در معاملات مقتضی فساد نیست (غیر از در مورد آن) } شیب

← مراد از امالة الفساد در معاملات چیست ؟ مراد استصحاب عدم ترتیب اثر است .

← مراد از امالة الفساد در عبارات چیست ؟ قاعده اشتغال (اشتغال یقینی نراق یقینی)

← مصنف ، امر به یک شیء اقتصار بهی در خیرت ، عند آن را ندارد . (چه ضد خاص چه ضد عام)

۲۸) ندرات نزاع بین قول صحیح و قول با اعم ارتظر آخوند ؟

خلاصه ،
① در خیرت با شرطیت برای ما سرور ،
② در وفای به نذر ،
③ در شک اقل و اکثر

① اگر در خیرت جزئی یا شرطیت شرطی برای ما سرور به شک کردم بنا بر نظر

صحیحی : خطابات مربوط به آن عبادت ، مجهول می شود - اما اعمی :

به دلیل اینکه نماز بدون سوره را هم حقیقاً صلوة می دانند ، تواند به اطلاق

(ایتمو الصلاة) تمسک کند و حکم کند که سوره جزء صلوة نیست .

② در وفای به نذر ③ لزوم اجراء امالة الاشتغال در شک در اقل و اکثر توسط صحیحی و برائت توسط اعمی

۲۹) قائلین - الفاظ للاعم استدلال روایت (دعی الصلوة ایتام اقرانک) مفوده اند، پاسخ آخوند چیست؟

« استدلال اعمها »

- ۱- تبادل
- ۲- عدم صحت سلب از افراد فاسد
- ۳- صحت تقسیم عبارت صحیح و فاسد
- ۴- دسته اخبار مثل « دعی الصلوة ایتام اقرانک »
- ۵- صحت نذر

پاسخ مرحوم آخوند درباره مورد چهارم می گوید، ظهور اخبار مذکور در معنای اعم مورد قبول نیست بلکه آنجا ظهور در معنای صحیح دارند، علاوه بر آن مجزای استعمال، دلیل بر صحت نیست.

۳۰) اشکال که بقول محققین در باره روایت « لاصلوة الا بغایة الکتاب » کرده اند چیست و پاسخ آخوند را بنویسید؟
اشکال: این آیات و اخبار بر تمام نیست، زیرا اولاً استعمال اعم از حقیقت و مجاز است و ثانیاً در این اخبار، نفی صحت شده است، نه نفی حقیقت.

جواب آخوند: اینها مستلزم ظهور آیات و اخبار در اراده معنای حقیقی از انگیزه الفاظ است و اساساً مبالغه بودن بعضی از تعابیر متوقف بر نفی حقیقت (السبب ادعاء) است. [مصنف در مورد الفاظ عبادات صحیح است].

۳۱) واجب معلق و منجز را به نظر صاحب مقبول تعریف کنید؟

هر دواجبی که به مکلف معلق میگردد؛ اگر حصولش متوقف بر امر غیر مقدمه باشد، آن واجب معلق گویند - مثل حج که بعد از استطاعت و جوب به مکلف معلق میگردد ولی انجام فعل واجب توقف دارد بر فرا رسیدن موسم حج.
ولی اگر بعد از معلق و جوب به مکلف، حصولش متوقف بر امر غیر مقدمه نباشد آن واجب منجزی باشد (سپس واجب منجز واجب است که هم در جوبش و هم خودش معلق دارد).

← ولی به نظر مرحوم آخوند تعظیم واجب منجز و معلق لازم نیست زیرا اصلان بر ما که در معلق و منجز وجوب نمی شود که واجب را به این اعتبار دو گانه تقسیم کنیم.

۳۲) فرق واجب معلق و مشروط چیست؟

در واجب معلق انجام واجب معلق به امری است، ولی در واجب مشروط و جوب آن مشروط است. ملازم و منجز

۳۳) محتملین دلیل قائلین به انقضاء امر به شیء، یعنی از ضد خاص، مقدمه بزرگ خداست، پاسخ مرحوم آخوند از این بیان را بنویسید؟

وجود هر فعلی مانع از تحقق ضد دیگر است و بدیهی است که عدم المانع یکی از مقدمات حساب می آید؛ مثلاً

«ترک صلا مقدمه واجب [از آنجاست از مسجد] قرار می گیرد و وقتی ترک ضد واجب غیره شد انجام ضد حرام خواهد بود»

پایع آخوند، اولاً: وجود داهتمام دو ضد محال است، اما بالوجدان رتباً این دو سادگی است نه اینکه یکی مقدمه دیگری باشد و هیچ ملاکی از تقدم و تاخر در آن وجود ندارد. وجود ضد متوقف بر عدم ضد دیگری

ثانیاً: مقدسیت موجب در می شود، این صورت که وجود ضد متوقف بر عدم ضد دیگری است پس عدم ضد دیگری هم متوقف بر وجود این ضد است «من از راه مقدسیت نمی توان حرمت ضد دیگری را اثبات کرد»

(۳۴) مضمون آفرین مشتق امری را چگونه تعریف می کند؟

هیات مشتق برای خصوص متلبس به مبدأ وضع شده است به ۳ دلیل ۱. تبادر ۲. صحیح سلب مشتق از منفی ۳. وجود رابطه تضاد بین مشتقات.

(۳۵) قصد تقرب به معنای قصد امتثال در واجبات تعبدی به حکم عقل معتبر است یا به حکم شرع؟ نظر آخوند را با دلیل بیاورید؟
قصد تقرب به این معنای در متعلق امر عبادی، به حکم عقل معتبر است، یعنی عقل حکم می کند که او امر مولی به این خاطر که او امر مولی هست باید امتثال شود. شارع خود نمی تواند آن را به نحو جزیه و یا شرط متعلق امر اخذ نماید زیرا این امر استحاله عقلی دارد.

(۳۶) تدوین دو نظریه حقیقت شرعی و عدم حقیقت شرعی چیست؟

صلاة به معنای نماز

در صورت اعتقاد به ثبوت حقیقت شرعی (که بدون قرینه استعمال ندهاند) به معنای جدید شرعی حمل می شود اما در صورت اعتقاد به عدم حقیقت شرعی به معنای لغوی خود حمل می شود.
در حمل به معنای جدید شرعی باید احراز شود که استعمال آن لفظ، بعد از تحقق صفت شرعی و وضع جدید بوده است.

(مراجعه به سؤال ۴۴)

(۳۷) الفاظ وضع شده برای معانی من حیث هی هین

(۳۸) صحت حمل به حمل اول ذاتی علامت حقیقت و عدم علامت مجاز است.

۴۱) به نظر مرموم آخوند استعمال لفظ در اکثر از معنا عقلاً و شرعاً جایز نیست.

۴۰) مراد از حال در بحث از مشتق چیست؟ مراد، حال تلبس است.

۴۱) به نظر مرموم آخوند طلب دارنده اتحاد خارجی و مفهومی و اشائی دارند.

۴۲) واجب معلق به نظر صاحب فصول، همان واجب مشروط به نظر شیخ است.

۴۳) وضع چیست؟ نظر آخوند!

نوعی اختصاص و ارتباط موجود بین لفظ و معناست.

این اختصاص اگر ناشی از عمل واقع باشد وضع تعیینی و اگر ناشی از کثرت استعمال باشد وضع تعیینی نام دارد.

۴۴) آیا مرموم آخوند صفت شرعی را قبول دارد؟ چرا؟

خیر، چون احتمالات طلاق در آن وجود دارد.

۴۵) آیا اصل عقلی در مورد تنگ در توصلی و تقدیمی «برائت» است یا «اشتغال»؟ چرا؟ (به نظر آخوند)

اصالة الاشتغال، حکم عقل در تمام موارد تنگ در محصل غرض، اشتغال ذمه و احتیاط است.

۴۶) به نظر آخوند آیا می توانیم اجزاء را مقدمه بنامیم؟

بله، زیرا لازم نیست بین مقدمه و ذمه مقدمه تفاوتی واقعی در وجودی باشد بلکه تفاوت اعتباری می باشد که کافی است.

۴۷) مرموم آخوند، اشکال شرط متأخر را در صورتی که شرط تکلیف باشد چگونه بر طرف می کند؟

می نماید، در این صورت اشکال پیش نمی آید چون شرطی آنجا هست در شرط معارضه این است که مولی هنگام تکلیف

کردن، لحاظ آن را در تکلیف مؤثر دانسته، پس آنچه که در واقع شرطی دارد همان لحاظ وجود مقدمه است نه صادر شدن

۴۸) واجب اصلی و تبعی چیست؟

واجب اصلی؛ واجبی که مولی آن را مستقلاً اراده کرده اعم از آنکه واجب مذکور مطلوب نفسی او باشد یا مطلوب غیره

واجب تبعی؛ واجبی که مستقلاً مورد توجه مولی نبوده و مولی چیزی را اراده کرده که اراده آن ملازم با اراده این شیء است

۴۹) نسبت بین موضوعی که در مستقول فی عموم و خصوص مطلق است.

از نظر آخوند، نسبت بین طلب و اراده؛ مفهوماً و مصداقاً واحد است و تفاوتشان در انضمامشان است.

برابر ابیان توصلی واجب از کلام راهکار مستوران استفاده کرد؟ اطلاق معانی.

۵۰) در صورتیکه مقدمات داخلیه واجب باشند متعلق وجوب غیر خود اجزاء است یا عنوان مقدمتشان؟
اجزاء و مقدمات داخلیه، بالإجماع واجب نفسی هستند و نزاعی در آن نیست.

۵۱) ترتیب را معانگند و دلیل محال بودنش چیست؟

ترتیب نفسی در امر در آن واحد متوقف شدن باشد، مگر امر واجب اعم (آتم الصلاة) که مطلق است و دیگری امر به واجب است که مشروط به شرط متأخر یا مقارن و در ترتیب متأخر از امر قبل است.
دلیل محال بودن وجود دو واجب عقلی مقدم و طلب شدن که هر کدام مانع انجام دیگری است.

۵۲) فرق بین معانی اسیر و حرزیه؟

فرساز از جهت کیفیت استقال است، یعنی اگر استقلالیته را اراده کردی «ابتداء» را استقال کن و اگر استقال آلتیه را اراده نمودی «من» را به کار ببری

نکته: نظر آخوند استقال لفظ در اکثر از معنی عقلاً جایز نیست، دلالتان چیست؟

هر لفظی هنگام استقال عنوان، آئینه دانی محض معناست و بدین است که یک لفظ نمی تواند، عوازل ۲ یا چند معنی مستقلاً واقع شود (در آن واحد)، چون اجماع ضمنی هر لفظ محال است عقلاً.

۵۳) آیا از صغیه امر وجوب استفاده می شود یا خیر؟

بله، از صغیه امر وجوب استفاده می شود.

دلیل، اولاً بلا اشکال وجوب از صغیه امر عواملی ذکر کرده اند که مصنف آنها را نمی پذیرد.

ثانیاً، بنا بر مقدمات حکمت اگر صغیه امر بدون قرینه باید از این اطلاق طلب وجوب محذوره می شود.

۵۴) مقدمات اصل عملی در تنگ در تقدیرت و توصلت چیست؟ امثال الاستغال (مبارزه می ها)

۵۵) در رابط با جریان اصل عملی؛ در صورت تنگ در وجوب مقدمت:

اگر مقدمه واجب مسأله اصولی باشد «اصل در آن جاری نیست» - «اگر مسأله فقهی باشد «اصل عدم وجوب مقدمه است»

۵۶) نگاه مرسوم آفند به لفظ «چهار حالت» دارد.

۵۷) الفاظ عبادات بر صیغ وضع شده است یعنی چی؟ یعنی آیا فقط عبارت صریح عبارت می گویند یا اینکه عبارت فاسد هم عبارت می گویند.

۵۸) اشتراک لفظی چیست و سه دلیل بر وقوع آن را بیاورید؟

فنی معانی متعددی که تحتاً در لفظ اشتراک دارند مانند لفظ شیر در فارسی و عین در عربی.
دلیل بر وقوع ۱) تصریح (اهل لفظ) ۲) بآورد معانی مختلف ۳) عدم صحت سلب معانی مختلف از وجه الفاظ

۵۹) مشتق، حقیقت در متبسیس - مبدأ است یا اعم؟ (تکرار)

۴) وجود رابطه بآوردین مستغبات
میان مشتق برای حضوره متبسیس؟ مبدأ وضع شده است. دلایل ۱) بآورد ۲) صحت سلب مشتق از منقضي.

۶۰) فرق بین ماده امر و صیغه امر چیست؟

محت در ماده، حقیقت امر است و معانی امر است. ماده امر هیات اُمُر است ولی حقیقت امر «افعل» است.
اما صیغه امر برای امر بیاورد «هیات افعله» است.

۶۱) مکرر و تکرار یعنی چه؟ و صیغه امر سرگردانک دلالت می کند؟

مکرر یعنی یک دفعه - تکرار یعنی دفعات و صیغه امر سرگردانک کلام دلالت ندارد (محمل است).

۶۲) مقدمه موصوله یعنی چه؟

مقدمه امر است که ترتیب ذره مقدمه متوقف بر آن است که باعث می شود مولا بر مقدمه امر بگذرد و اگر مقدمه آتیان شود غرض مولا حاصل نمی شود یعنی ترتیب ذره مقدمه شرط و موجب مقدمه است (موضوعه موصوله موصوله برای نماز است)

۶۳) موضوع هر علم از نظر آخوند چیست؟

هُوَ نَفْسُ مَوْضُوعَاتِ مَسْأَلَةٍ عَمَّا مَا يَتَّحِدُ مَعَهَا خَارِجًا وَإِنْ كَانَ لُغَايَهَا مَعْنُومًا

۶۴) نظر صاحب موصول فرق بین واجب معلق و مسکوت طهیهت؟

أَنَّ التَّوَقُّفَ فِي الْأَوَّلِ (معلق) لِلْفِعْلِ وَفِي الثَّانِي (مضروب) لِلتَّوَجُّبِ

۶۵) صحت از نظر آخوند معنای «تأمیته» است.

۶۶) (مربور) امر به شش بعبارة منع (صدیکنده) «محمل است و آتیان آن نیاز به قرینه دارد»

۶۷) مراد از وجه در عبارت مقابل چیست؟ «الآتیان بالما موربه علی وجه یقتضی الاجزاء»

وجه شرعی و عقلی با هم
شرعی و عقلی
عقلی
عقلی

٦٨ آیا به نظر مرحوم آخوند صفیة امر در آیه کریمه « فَاَتُوا سُورَةَ مِنْ مِثْلِهِ » در تعجیز استعمال شده یا نه؟

بله، استعمال بر شود - البته صفیة امر برابر معنای معنی (طلب برای ایجا در محاطب) وضع شده است و استعمال آن در معانی غیر محاطبین و غیره مجاز خواهد بود.

٦٩ تأملین - دلالت صفیة امر به فور، استدلال به آیه (در سار عوا الی المنقره من رکنم) نموده اند، پاسخ خواه آخوند چیست؟

- ١- ظهوری است در طلب استصحاب است.
- ٢- متعلق امر در مغفرة و الحیرات عام است و شامل مسجبات و واجبات که فوریت ندارند (مانند نماز) نیز هست، از اینرو اگر این آیه دلالت بر وجود فور کند تخصیص اکثر لازم می آید (که مستحق است).
- ٣- امر در اینجا ارشاد است، و جهت دلالت وجودی بر نور مطرح نمی شود.

٧٠ محل تراخ در بحث مستحق چیست، مثالی برید؟

محل تراخ، آیا مستحق برار خصوص مایلتس با بعد از وضع شده یا برار اعم از ما یلتس و ما انقضی عنه التمس، مانند کراهت در مثل: آی که با آفتاب گرم شده و الآن سرد شده و همچو اعم فآن وهو لیسیم.

٧١ نظر آخوند درباره معانی متعلق ترقی، تنی و تحدید... برای صفیة امر چیست؟

آخوند می گوید، صفیة امر فقط بران انشاء طلب وضع شده اما الکنیزه ها تفاوت است گاه ترقی، گاه تنی و...

٧٢ آیا ایان به ما مؤزم به امر اضطرار، مکلف راست - ایان ما مؤزم به امر واقع ثانوی مجزی می کند؟

- اصطلاحات
 - ١- با اجتناب تمام اغراض مولی از یک امر واقعی تحصیل می شود، در این صورت قطعاً مجزی است.
 - ٢- تعداد تحصیل شده قابل تحصیل نیست، عمل مکلف مجزی است.
 - ٣- مصالح با تمایز واجب الاستیفاء نیست، مجزی است.
 - ٤- مصالح با تمایز واجب الاستیفاء است، مجزی نیست.

٧٣ آیا تحسیر شرعی بن اقل و اکثر امکان دارد یا حیر؟

امکان دارد - چون هر کدام از اقل و اکثر طور جداگانه محصل غرض هستند و اگر هر کدام انجام شود غرض مولی اتمام شده است هر چند به اقل ثواب باشد. (پس تحسیر شرعی است)

۷۴) اصطلاحات بر براتو تعریف کنید؟

فد عام، عنوان عدم است و به معنای ترک مأثور است. وله فند خاص عنوان وجود است یعنی همه افعال که استقال به آن مانع از نسخ، برداشتن حکم شرعی است. از آنجاست انجام مأثور است.

۷۵) آیات نظر آخوند «وضع خاص، موضوع له عام» ممکن است؟

خیر، چون خاص نمی تواند سبب عام باشد. (خبر نمی تواند آمده معاً حکم دعاء گردد) زیرا مجال عقلی است.

۷۶) فرق بین مشتق و مبدأ مشتق از نظر مفهوم چیست؟
تأیید مشتق، لای شرط و قابل حمل است
دارند (مبدأ) شرط لا و غیر قابل حمل است
معای آن در با هم مباین هستند و این تفاوت واقعی است؛ زیرا مشتق معانی لای شرط از حمل بذات دارد ولی مبدأ معانی لای شرط لا از حمل بذات دارد. (مشتق قابل حمل و مبدأ غیر قابل حمل است)

۷۷) در رابطه با مرکبات: با توجه به وضع مواد و حیاتیات آن، بنا بر چه وضع دیگری ندارند.

له مشتق باید: مفهوش منتزعه از ذات باشد و جمله بذات مسود.

له جمله هاس خبریه در مقام طلب: ظهورشان در جوب از صنفیه امر قوی تر است (مثل یغسل، یغوشنا)
له قصد تقریب اعتبارش: عقلی است.

۷۸) در دلیل اعمی ها را یاد که جواب مرحوم آخوند بنویسید؟

دلیل اعمی ها، ۱- تبادر ۲- عدم صحت سلب الفاظ عبادات از افراد ناسدان. ۳- استدلال بر روایت «دعی الصلوة ایما»
جواب آخوند: دلیل تبادر درست است زیرا وقتی اعمی تر است قدر جامع تصور کند تحقق تبادر ممکن نخواهد بود.
سلب اسم صلاة از نماز فاسد و باطل، صحیح است (لذا دلیل دومشان هم رد است)

۷۹) استحالگی که در باب مشتق در مورد اسم زبان وجود دارد به همراه جواب آخوند؟

ذات در اسم زبان، خود زبان است که با گذشت زبان منتفی می شود از آن جهت از استعمال حقیقی یا مجاز آن دچار مشکل می شود. مصنف می گوید، اسم زبان بر این مفهوم عام دگر زبان یا صرف نظر از جریان آن در خارج وضع شده است، در اصطلاح مفهوم زبان به عنوان ذات در صنفیه اسم زبان عصیان یافته بوده و این اعتبار داخل در محل تراخ است.

۸۰) آیات امریه شی امر است؟ (من به تو می گویم به ارگوبر فلان کار را کنید، ترک اد، عصیان به من است؟ عقاب دارد یا نه؟)

یا غرض مولی امریه خود رابطه بوده (یعنی تحقق درم) در اینجا هدف امریه واسطه است نه ایان در خارج، در صنفیه صورت او امر اول است و واسطه در رابطه ندارد.

۸۱) اگر اسامی معاملات براساس مسمیات وضع شده باشند، آیا انتزاع صحیحی را عتی در آن جاری است؟
خیر، در معنای آنها امر دائر است بین وجود و عدم، نه صحت و فساد.

۸۲) در رابطه با شرط متأخر، اگر شرط متأخر باشد، جواب آخوند چیست؟ (غسل سب قبل برای روزه فردا) : اشکال دارد
[زیرا واقعاً نفس اماره و سبب، شرط است و اینکه به غسل سبب، شرط میگویند، این خاطر است که طرف امانت واقع شده است] اشکال
اشکال قاعده این است که اسم شرط بر نفس غسل سبب اطلاق شده و حال آنکه چنین نیست.

۸۳) صغیر امر { موضوعی که آن، طلب استانی است به هر داعی که باشد (طلب حقیقی نیست).
ظهور در وجوب دارد، خاطر مقدمات حکمت (صورتیکه آمد در صدد بیان باشد.
لحظه تکرار یعنی، دفعه در دعوات یا فردا افراد.

۸۴) استحقاق عقاب و ثواب بر واجب نفسی چه زمانی محقق می شود؟ هنگام ترک واجب (عقوبت) و هنگام انجام واجب (ثواب)

۸۵) آیا در مقدمه واجب، اصلی وجود دارد که در هنگام تکلیف آن راجع کنیم؟
اگر محبت در ملازم باشد اصلی وجود ندارد (اصولاً) - اگر در وجوب مقدم باشد استصحاب عدم وجوب جاری می شود (تعمیر)

۸۶) چگونه تدریجات باعث بطلان محلّ اطلاق در ماده می شود؟
اطلاق کلام، معلول مقدمات حکمت است و نه ظهور - پس بطلان اطلاق، معنای عدم تحقق مقدمات حکمت و در نتیجه
عدم تحقق ظهور اطلاق است و این امر خلاف ظاهر نیست.

۸۷) چگونه اطلاق هیأت، اقتضای وجوب نفسی بودن را می کند؟ وجوب نفسی داشتن، نیازم قرینه ندارد.
اگرچه هیأت امر براساس جامع طلب وضع شده اما مقتضای هیأت، وجوب نفسی است زیرا افاده وجوب غیره محتاج به
قرینه است، نه وجوب نفسی.

۸۸) وضع تعینیه به صیغیه چه حاصل می شود؟

به دو صورت : ۱- وضعی که با تصریح نمودن واضع برای معنای مورد نظر شکل می گیرد، مثل، ناگلهاری فرزند توسط پدر
۲- وضعی که در آن واضع نظر را در معنای مورد نظر صورت استعجال حقیقی استعجال می کند (بدون استعجال
- ملاک در صحت هر استعجالی حسن آن استعجال است و حقیقی یا مجازی بودنش لزوم ندارد. (قرینه صاف)

۸۹) بعضی جامع را بنا بر قول اعمی عبارت از «معظم الاجزاء» می دانند، اشکال این نظر چیست؟
«معظم الاجزاء» یعنی آن مقداری از اجزاء که اسم صلاة عرفانه آن صدق کند.

اشکال: الف) لازم بر آید اشغال لفظ در تمام الاجزاء و شرط مجاز باشد.
ب) چون صحت عبارت امری نسبی است.

ج) چون در حالت اجزاء در موضوع له حالات مختلف یک عباد (در حال حضور، سفر، اختیار و افطار) فرق می کنند.

۹۰) بنا بر مسلک طریقت در امارات آیا ایمان مأثومه ظاهری محضی از ماوراء امر واقعی هست یا خیر؟ چرا؟

محضی نیست، زیرا امارات از باب طریقت محبت هستند و لذا موجب تولد اجزاء و شرط بر اعم از واقعی و ظاهری بوده
از این رو دومی طریق حطاء در آمدگان کم نگی شده و باید و وظیفه را انجام داد، چون اماره دلالت بر ائمه واقع دانسته و
حال آنکه حطاء برده است و از طریق شرط هم به حسب ظهور ادله اولیه شرط واقعی است.

۹۱) در رابطه با اسما اشاره می گوئیم:

« وضع عام، موضوع له عام و مستعمل فيه نیز عام است ».

سه عبارت طواریق ثلاث از ناحیه «استحباب نفسی» است.

واجب نفسی همیشه اصلی است و واجب غیر منقسم به اصلی و تبعی می شود. واجب غیر (اصلی) نفسی (اصلی)

۹۲) چرا اطراد و عدم اطراد از علامت حقیقت و مجاز نیست؟ (دور - و تحصیل حاصل می شود) اطراد متوقف بر (موضوع له) است

چون در بحالت به دور و تحصیل حاصل منقسم می شود - زیرا اطراد متوقف است بر دانستن موضوع له و معانی حقیقی و
اگر دانستن موضوع له هم متوقف بر اطراد باشد دور خواهد بود، اما تحصیل حاصل به این صورت است که اگر اطراد

به صورت حقیقت وجود داشته باشد پس ما معانی حقیقی را در انیم و ایات درباره آن با اطراد به دست آورده چینی
که خودمان آن را داریم.

۹۳) از ادله قائلین به اعم، صحت تقسیم به صحیح و سقیم (ناسد) است، با بقی آخوند چیست؟

این تقسیم دومی دلیلی دارد که دلیل بر وضع الفاظ عبارت در صحیح نباشد یا سقیم. (در روایات آمده است که
فلان نماز صحیح است + پس بنابر این تقسیم نیست.)

۹۴) به نظر آخوند موضوع له لفظ امر وصفه امر چیست؟ «انعل»
موضوع له ماده امر «طلب استاء» است - و لفظ امر «عنان صغیر امر» است.

۹۵) به نظر آخوند امر به شیء تقیماً دلالت بر سخن از ضد عام می کند، چرا؟

تقریباً حقیقت و جوب سبب است و دلایلی بر ترکیب آن نداریم؛ و جوب عالی ترین و مؤکدترین مرتبه طلب و غیر قابل مجزی است
به تعبیر دیگر منع از ترک و از لوازم معنای و جوب است و نه جزء معنای آن.

۹۶) فرق بین عرض و عرضی چیست؟

عرضی مفاهیمی که بر ماهیات حمل می شوند ولی جزء تقریبشان نیستند، مانند کاتب نسبت به انسان.
ج ۱ ص ۱

۹۷) آیا شرط در واجب مستروط قیدیهات (واجب) است یا قید ماده (واجب)؟ نظر شیخ انصاری و آخوند چیست؟
نظر شیخ انصاری، شرط، قید ماده و مأمور به است (واجب)
که آخوند، شرط، قیدیهات و جوب است.

۹۸) نظر آخوند درباره حقیقت «استعمال» چیست؟
لفظی که عنوان و وجهی برای معنا است
که همین استعمال اعم از حقیقت و مجاز است.

۹۹) جمله های خبری که در مقام طلب واقع می شوند به ظهور آنها در جوب قوی تر از ظهور صغیر است.

۱۰۰) ملاک و جوب مقدم از دیدگاه عقل به نظر مرموم آخوند چیست؟ ملاک، استاندارد و تمکن از ذمه المقدمه است.

۱۰۱) مراد از اقتضای در بحث «ایان مأمور به علم وجه مقتضی اجزاء» علیت است.

۱۰۲) به نظر آخوند ارشام وضع کدامیک ممکن و کدامیک محال است؟

وضع خاص موضوع له خاص } ممکن است
وضع عام موضوع له عام } محال است
وضع خاص موضوع له عام } محال عقلی
وضع عام موضوع له خاص } محال واقعی

۱۰۳) تراخ صحیحی داعی در الفاظ عبادات بنا بر عدم التزام به حقیقت شرعی چگونه قابل تصور است؟

تراخ به این صورت است که آیاهنای که شایع مقدس این الفاظ را مجازاً در اساس علائق مجاز، در معانی غیر لغوی

معانی جدید شرعی) به کار می برده ، علامه مجاز در رابطه با معانی صحیح آنجا ملاحظه می نمودند است یا با اعم از صحیح و نادر؟ اگر گفته شود شارع علان مجاز است ، معنی صحیح شرعی لحاظ نموده در اضیورت استعمال آن در معانی نادر مجاز در مجاز و به تعبیر علم معانی سبک مجاز از مجاز می شود.

۱۰۴) معنای صحت چیست؟
 عینی به معنای تمام و تمام الأجزاء و الشرائط است. فمنها صحت و نادر از امور نسبی و اعمانی است. حقیقت صحت یکی است

۱۰۵) به نظر آخوند چگونه مقتضای اطلاق صغیر ؛ در جوب نفسی ، تعین و عینی است؟
 اطلاق صغیر امر ← مانند (ضلع) بر فرض تمامیت مقدمات حکمت ، اعمای در جوب نفسی دارد چرا که افاده در جوب غیر محتاج ذکر قید و قرین است.
 ، بعد از تمامیت مقدمات حکمت مقتضی در جوب عینی است زیرا افاده وجود تجسیر یک نقل از میان دو یا چند فعل نیازمند قرین است.
 عینی است نه کفائی؛ چرا که افاده وجود کفائی نیازمند قرین است.

۱۰۶) به نظر آخوند آیا اجزاء (مأموریه) واجب و در جوب غیر است یا نفسی؟
 (اما الإجماع واجب نفسی است و تراوی نیست و یا در قرین ندارد اگر واجب غیر باشد اجتماع متلین می شود.)
 بالاجماع واجب نفسی هستند و تراوی در آن راه ندارد - دلیل اینکه وجود اجزاء آنها وجود مرکب است و تعاقب اعتبار است از این رو دارای وجود نفسی هستند و اگر بطور جداگانه دارای وجود غیر باشد اجتماع متلین لازم می آید - این معنای که شیعه واحد دارای دو حکم وجودی باشد.

~~عده ای از تاملین یعنی از ضد از راه مقدسیت بر عقدهای خود استدلال کرده اند؟ استدلالشان چیست؟~~
 [ترک ضد (ترک صلوة) مقدمه واجب (ازالہ نجاست از مسجد) قرار می گیرد و وقتی ترک ضد واجب غیر شد انجام حرام خواهد بود] - عبارت دیگر وجود هر ضد مانع از تحقق ضد دیگر است و بدین معنی است که عدم الهامی لکن از عقوبات به حساب می آید. جواب آخوند ، ۱- وجود دو ضد در کنار هم محال است بالوجدان. ۲- مقدسیت موجب دور می شود.

۱۰۸) ملاک ارشاد برین یک امر و یکی چیست؟
 اینکه عقل با صرف نظر از حکم شرعی ، خودش بالاستقلال حکم به حسن و قبح چیزی بکند - در اضیورت اگر شارع حکم را صادر کرد ، ارشاد به همان حکم عقل است.

خلاصه کلمات - حسن ۱

کلمه «من» و «ابتدا» از نظر معنای معقد هستند اما از نظر وضع تفاوت دارند یکی اسمی و دیگری حرفی (فتر مستقل) است در واجب مشروط، شرط از خود هیأت می باشد

سبب وضع شده باشد (برای نفس عقد) بیع، اجاره، نکاح، نزع، حاکم است
نزع بین صحیح و اعم در الفاظ معاملات؛ اگر الفاظ معاملات برای
برای سبب از عقد (برای اثر حاصل از آن) X نزع جاری نیست
چون امر در این وجود و عدم است، نه صحت و فساد

به نظر آخوند، استیصال لفظ در بیشتر از یک معنای جزئی نیست عقلاً، زیرا هر لفظی آینه و فانی می باشد معنای است و هنگام استیصال متکلم، نمی شود بر سبب از یک معنای استیصال آورد. اجتماع صندین است.

قائلند «لا ینال عهدی الظالمین» استدلالی مناسب برای وضع مشتق برای اعم است.
لکه با این آخوند، این آیه دلالتی به وضع مشتق برای اعم ندارد، زیرا به معنی حدوت شرک، فرد از مقام امامت سلب صلاحیت
«صحت استیصال اللفظ فیما یناسب ما وضع له» بالطبع است، به خاطر شهادت و حدوت.

تسخیر معقد است در واجب مشروط، شرط به هیأت بر نمی گردد (چون هیأت معنای حرفی دارد و استقلال از خود ندارد لذا وضع مشتق عام و موضوع له آن خاص است)

لکه با این آخوند، موضوع له حرف و امثال آن مانند هیأت عام است، لذا هیأت امری تواند مطلقاً یا مقید باشد.

معنای طلب و اراده یک است، فقط ماده طلب انصراف به طلب استیاری و ماده اراده انصراف به اراده حقیقی دارد. لکن نسبت بین طلب و اراده مفهوماً و صدقاً واحد است.

در معنای امر، علو معتبر است.
لکه صیغه امر، فقط حقیقت در جزیب است.
در کت مقدمه واجب کدام مسائل مورد بحث است؟ مقدمه صحت
و صوب
وجود
علم

هیأت تسنن: در خصوص متلبس - صدا وضع شده. لکن نظر آخوند بر تسنن - صدا حقیقیاً معتبر است

محل نزاع در بحث مشتق این است که آیا استیصال مشتق «فیما انقضى عنه الهدأ» به نحو حقیقت است یا مجاز؟ لکه مثلاً، استیصال حدوت عقلاً، در شکی که در روز صواب بود ولی اکنون صواب نیست

در هل المشق حقیقه فی حضور ما تلتس بالعباد فی الحال (در فی الاغم؟) مراد از حال، حال تلتس است.

یعنی زمانی که ذات متکلف به صدأ بوده، مثلاً زید مستعمل به زدن بوده.

اصراً، دو معنای لغوی و عرفی دارد، ۱- معنای مصدر طلب ۲- مهارت و نمونه‌هاست که معنای است

ثمره کثرت ضد این است: بنا بر قول اصراً یعنی از هفتاد می‌کند نماز ناظر است { در برابر ازاله نجاست
یعنی کند نماز صحت است

صحت حمل به حمل اولی ذای «علامت حقیقت» و به حمل شایع «علامت مصداق بودن لفظ بر معنی» است

متکلف، امر به شیء معینی است
از هفتاد را ندارد



واجب / مشروط، در حشر مشروط است (جمع مشروط - استطاعت) چه مقدر و چه مکلف باشد
معلق / اجناس معلق است (نماز معلق - وضو) فقط باید مقدر و مکلف باشد

و صواب نفسی، واجب که ذاتاً مطلوب شارع است مثل نماز [در مقابلش واجب غیری مثل وضو]

سود
امن

واجب کفایی، موضوع تکلیف صرف الوجود است که از طبیعت، بر ذمه همه مکلفین است، غرض صحتی با انسان همانند الوجود
(نماز صحت)

ضد عام، عنوان عدمی به معنای ترک مأمور به نماز ازاله نجاست

ضد خاص، عنوان وجودی است (یعنی همه افعال که استعمال به آن مانع از انجام مأمور به است)

علم اصول، یک علم کاربردی است که از طریق آن بتوان قواعدی که ممکن است در طریق استنباط احکام کار رود را شناخت و در مقام عمل به آنها تمسک حسب اشافه.

که در واقع باطنی است به اشکال شهود در تعریف علم اصول که، علم اصول هم فایده استنباطی دارد هم فایده علمی.

کلماتی همچون صلاة و صوم معنای مستحبه (معنای جدید شرعی) دارند.

در عبادات ماهی عبادت مقتضی «فساد» آن است.
در معاملاً مقتضی نساد نیست، مگر در سبب / سبب

مراد از اجماله الفساد / در عبادات، استعمال بقی فراع یعنی «قاعدت استعمال» است
در معاملات، استصحاب عدم ترتب اثر است.

شک در حرمت و شرطیت (بنا بر صحیحی قطاعات مجمل می شود، بنا بر اعمی می تواند اطلاق رصوع کند
 مثل ما روی سوره، اتم القلوه.)
 در وفای - تدر
 در شک اقل و اکثر (بنا بر صحیحی ایهاله الاستعمال، بنا بر اعمی حرمت)
 در صنف در مورد الفاظ عبادات «صحیحی» است.

معلق، واجب، منجز } به نظر آخوند تقسیم واجب به معلق و منجز لازم نیست و اختلاف بنا در معلق در مقرر موجب نمی شود که واجب را
 - این اعتبار - ۲ قسم تقسیم کرد!

قابلند «امر به شی مستقنی یعنی از غیر خاص می کند» زیرا وجود هر فعلی مانع از تحقق صفت دیگری است، عدم الایجاب لازم است
 که باصح آخوند { وجود اجتماع دو صفت محال است
 اما بالوجدان رتبه این دو مساوی است، هیچ ملاکی از تقدم در آن وجود ندارد.
 تألیفاً مقدسیت موجب دور می شود. وجود صفت منوی بر عدم صفت دیگری

مستقنا
 مستق اصول، بر این فرض منسبت - مبدأ وضع شده - دلیل ۱۱، تبادل ۱۲ - صحت سلب مستق از منقطع ۱۳ و جود اطمینان ۱۴

شک در نزاع بین حقیقت شرعی و عدم حقیقت شرعی ← در صورت اعتقاد به ثبوت حقیقت شرعی به معنای جدید شرعی مجمل می شود. صلاة، نماز
 که مرصوم آخوند حقیقت شرعی را قبول ندارد
 زیرا احتمال خلاف در آن وجود دارد.

عمل و افعی باشد «وضع تقیینی»
 وضع چیست؟ نوعی ارتباط بین لفظ و معنا که اگر ناشی از اکثر استعمال باشد «وضع تقیینی»

در صورت شک در توصله یا بقیدی، اهل عقلی «ایهاله الاستعمال» است.
 که استعمال ذمه در تمام موارد شک و احتیاط

بین مقدمه و ذی المقدمه تقابلی اعتباری هم کافی است لذا می شود اجزاء را مقدمه بناسیم
 اصلی، مولی آن را مستقلاً اراده کرده (چه مطلوب نفسی اش باشد چه غیره)
 واجب / تقیینی، مستقلاً مورد توجه مولی نبوده

ترتیب یعنی ، دو امر در آن واحد متوقف هستند باشد ، لکن امر واجب اعم [اقم الصلاة] لکن امر واجب محکم
لکه ترتیب محال است ، به دلیل طلب ضرورت محال

اگر استقلال را اراده کردی و ابتدا « (معنی اسمی) » را استعمال کن ، اگر آلت را اراده کردی « من » (معاصرین) را استعمال کن

از صیغه امر ، و صوب استفاده می شود ، دلیل مقدمات حکمت می گوید در غیر این صورت باید قرینه بیاید + دلیل عقلی

الفاظ عبادات بر صیغی وضع شده یعنی چه ؟ یعنی آیا فقط به عبادات صیغی عبادت می گویند یا به عبادت فاعل هم عبادت می گویند ؟

اشتراک لفظی ، یعنی لفظ مشترک ، معنی مقدر [شیر در فارسی ، عین در عربی]

لکه دلیل بر وقوع آن ، ۱- تصریح اهل لغت ، ۲- تبادل ^{معنی} ، ۳- عدم همی متلف از صیغه الفاظ

[ماده امر ، هیات اُمُر است .]
[صیغه امر ، اِفْعَل است .]

« مقدمه موصوله » یعنی مقدمه ای که ترتیب ذی المقدمه متوقف بر آن باشد (دختر برای مادر)

در باره « امر شیئی بعد از یعنی » محمل است و نیاز به قرینه دارد (همید کنید به بعد از همید نکلید)

« الاثنان بالهما مؤرور علی وجهه یقیناً الاضراء »

شعری عقلی لکن عقلیت

فألتنه صیغه امر فور دلالت دارد ، به دلیل (وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ)

لکه پاسخ آخوند ، ظهور آیه در طلب اسمی است

« مغفره » عام است و شامل مسویات و واجبات غیر فوری نیز هست لذا کلمه اکثر مستعین در فتح است

امر در اینجا ارشادی است

محال تراخ در وقت مشق : آیا مشق بر آن حضور مایکس با لمبدأ وضع شده یا اعم از لباس به صدا و مانع یعنی عنه ؟

مانند کراهت بر آن آیه که تا آفتاب گرم نشده و آن سرد شده

صیغه امر فقط برای استاء طلب وضع شده، البته انگیزه ها و عبارات متفاوت است (گاهی ترحمی، گاهی تمسک و ...)

تجسیر شرعی بین اقل و اکثر امکان دارد چون هر کدام به طور جداگانه محقق غرض هستند هر چند به اقل توابع

به نظر آخوند «وضع خاص، موضوع له عام» ممکن نیست. {محال عقلی است! خزن نمی تواند آینه معانی گردد} خاص نمی تواند سب عام باشد

مشتق: لانه شرط - قابل حمل

✓ فرق است بین مشتق و مبدأ مشتق از نظر مفهوم (باین دارند) / مبدأ مشتق به شرط لا - غیر قابل حمل

فائده اعمی ها به دلیل، ۱- تبادر ۲- عدم صحت سلب الفاظ عبادت از افراد فاسقان ۳- دعی الصلاة ایام اقرانک

که آخوند صحیح است، می گوید تبادر ممکن نیست، صحت سلب ممکن است (سلب اسم صلاه از نماز فاسد و باطل صحیح است)

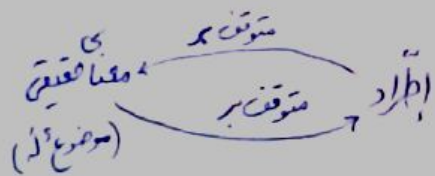
امر به شی، امر است، مگر غرض مولی فقط امر به تفراول باشد در غیر این صورت امر، امر است بواسطه مابین واسطه ندارد

• اطلاق هیات، اقتضا می کند وجوب نفسی بود را، زیرا وجوب نفسی نیاز به قرینه ندارد.

هستند

بنابر مسلک طریقت «درامارا» بیان ما مورد نظر ظاهر مجزی نیست، زیرا امارا از باب طریقت (طریق الی الواقع) تحت

عبارت طهارات ثلاث از ماحیه «اسمیاب نفسی» است.



اطراد و عدم اطراد از علامت حقیقت و مجاز نیست؛ به دلیل / تحصیل حاصل

ماده امر، طلب استاء است.

موضوع له / لفظ صیغه امر، صیغه اقل است.

وضع خاص، موضوع له عام ← محال است عقلاً

وضع عام، موضوع له خاص ← محال است وقوعاً

وضع خاص، موضوع له خاص / ممکن است
وضع عام، موضوع له عام

از کجا بفهمیم امر، امر ارشادی است؟ اینکه عقل (باصرف نظر از حکم شرعی) خودش بالاستقلال حکم به حسن و قبح
چیزها میکند، در اینصورت حکم شارع ارشادیه همان حکم عقل است.

حاله ۱



باسمه تعالی

امتحانات عمومی پایان سال سطح ۳ و ۲

سال تحصیلی ۹۱ - ۹۰

حوزه علمیه خراسان

تاریخ امتحان: ۹۱/۰۴/۱۰	زمان: ۹۰ دقیقه
ساعت: ۱۶ - ۱۷/۳۰	
موضوع: کفایه ب	
نتیجه	به عدد
به حروف	
رسیدگی	به عدد
محدد	به حروف

سؤالات چهار گزینه‌ای

(بارم ۵/۰ نمره)

۱. به نظر مرحوم آخوند(ره)، علوم مختلف چگونه از یکدیگر متمایز می‌شوند؟
الف: با موضوعات علوم ب: با محمولات علوم ج: با اغراض تدوین د: همه موارد
۲. کدام یک از موارد ذیل از ادله قول به وضع الفاظ عبادات برای اعم محسوب نمی‌شوند؟
الف: تادر اعم ب: صحت نذر به ترک صلاة در حمام ج: طریقه و روش واضعین در الفاظ و عدم تخطئه شارع د: صحت تقسیم الفاظ عبادات به صحیح و فاسد
۳. به نظر مرحوم آخوند(ره)، کدام یک از موارد ذیل از محل نزاع در بحث مشتق خارج می‌باشد؟
الف: افعال و مصادر مزید فیه ب: اسم زمان ج: اسم فاعل د: صیغه مبالغه
۴. به نظر مرحوم آخوند(ره)، «صیغه امر» حقیقت در چیست؟
الف: حقیقت در ندب ب: حقیقت در وجوب ج: حقیقت در وجوب و ندب د: مشترک بین وجوب و ندب
۵. در چه صورتی، انجام مأموریه به امر اضطراری از انجام مأموریه به امر واقعی، مجزی است؟
الف: اگر تکلیف اضطراری وافی به غرض باشد، مجزی است ب: مجزی است اگر وافی به غرض نباشد و امکان تدارک نباشد ج: اگر وافی به غرض نباشد و استفاء باقی مستحب باشد و ممکن، مجزی است د: همه موارد
۶. کدام یک از مقدمات ذیل، از محل نزاع در بحث مقدمه واجب خارج است؟
الف: مقدمه داخلی ب: مقدمه صحت ج: مقدمه علمیه د: گزینه الف و ج
۷. به نظر مرحوم آخوند(ره)، «وجوب مقدمه» تابع چیست؟
الف: در اطلاق و اشتراط تابع وجوب ذی المقدمه است ب: هر وقت مکلف ذی المقدمه را اراده کند مقدماتش واجب می‌شوند ج: زمانی واجب می‌شود که به داعی و قصد توصل ذی المقدمه اتیان شود د: اگر ذی المقدمه در خارج بر مقدمه مترتب شد مقدمه از اول واجب است
۸. اگر وجوب نسخ شود، دلیل ناسخ یا منسوخ بر چه چیزی دلالت دارد؟
الف: جواز به معنای اعم ب: جواز به معنای اخص ج: بر هیچ کدام از احکام اربعه دلالت ندارد د: گزینه الف و ب

سؤالات عبارتی

(بارم ۲ نمره)

۱. «و قد انقدح بذلک ان موضوع علم الاصول هو الکلّی المنطبق علی موضوعات مسائله المتشعبة لا خصوص الادلة الاربعه بما هی الادلة بل و لا بما هی ضرورة ان البحث فی غیر واحد من مسائله المهمة لیس من عوارضها»
الف: عبارات فوق را توضیح دهید.
ب: منظور از «ادله بما هی ادله» و «ادله لا بما هی» چیست؟
۲. «ان نكرة النزاع اجمال الخطاب علی القول الصحیح و عدم جواز الرجوع الی اطلاقه فی رفع ما اذا شك فی جزئیة شیء للمأموریه او شرطیه اصلا لاحتمال دخوله فی المسمى كما لا یخفی و جواز الرجوع الیه فی ذلك علی القول الاعمی فی غیر ما احتمال دخوله فیہ ما شک فی جزئیته او شرطیه»
الف: عبارت را توضیح دهید.
ب: چرا بنا بر قول اعمی می‌توان به اطلاق خطاب رجوع کرد؟
۳. «الظاهر ان الطلب الذی یكون هو معنى الامر لیس هو الطلب الحقیقی الذی یكون طلبا بالحمل الشایع الصناعی بل الطلب الانشائی الذی لا یكون بهذا الحمل طلباً مطلقاً بل طلباً انشائياً»
الف: عبارت را توضیح دهید.
ب: فرق بین «طلب حقیقی» و «طلب انشائی» چیست؟
۴. «المقام الثانی فی اجزاء الاتیان بالمأموریه به بالامر الظاهری و عدمه و التحقیق ان ما كان منه یجری فی تنقیح ما هو موضوع التکلیف و تحقیق متعلقه و كان بلسان تحقق ما هو شرطه او شرطه كقاعدة الطهارة او الحلیة بل و استصحابها فی وجه قوی و نحوها بالنسبة الی کل ما اشترط بالطهارة او الحلیة یجزی»
الف: عبارت را به طور کامل در قالب مثال توضیح دهید.

سؤالات تشریحی (فقط به چهار سؤال پاسخ دهید)

(بارم ۲ نمره)

۱. اقسام وضع را به نظر مرحوم آخوند(ره)، با ذکر مثال بیان کنید. *ان تسمى عین نیست*
۲. نظر مرحوم آخوند(ره) در باب حقیقت شرعی را بیان کنید.
۳. واجب غیری و نفسی را تعریف کنید. در هنگام تردد بین وجوب نفسی و غیری کدام مقدم است؟ چرا؟
۴. نظر مرحوم آخوند(ره) مستعمل لولم و نواهی افرادند یا طبعی؟
۵. واجب مושع و مضیق را توضیح دهید. آیا تخیر بین افراد مושع عقلی است یا شرعی؟ چرا؟

موفق باشید

۱. محتوایی که ملاحظه می فرمائید حاصل تلاش شبانه روزی دو نفر از طلاب (در طی سالها گذشته) بوده که شاید به خرات بتوان گفت کاملترن نسخه سؤال و جوابهای درسی می باشد (در حال حاضر).

۲. قطعا توصیه نمی شود که فقط به این نسخه تکیه شود و توجه به متن کتاب درسی هم لازم است، هر چند نبره او آری که همراهِ به سؤالات و جوابهای این جزوه، تسلط داشته، در امتحانات نمره قبولی کسب نموده اند.

۳. این فایل را بکار برده و هرگونه کپی برداری از آن مجاز و مورد رضایت است.

۴. هرگونه استفاده مالی از این محتوی شرعا حرام می باشد (به هیچ وجه مورد رضایت نیست) مگر آنکه تمام سود حاصله صرف خرید هدایای مذهبی و دینی [یا در بکریه انقلابی] باشد و تقدیم به مخاطبین در محافل گردد.

چند توصیه و درود طلبه ای:

✓ سعی کنیم کاری که انجام می دهیم دارای فایده باشد لذا اگر مشغول به کاری هستیم که بین شرع و عقلا، خودی ندارد مثل مرد آن را رها نمایم. **موضوع ۶**

✓ سعی کنیم (سعی) آنچه می گوئیم را خود عمل نمایم. **صفحه ۲**

✓ برای تفسیر خلاصه قرآن و سیره عملی اهل بیت (علیهم السلام) در اعمال و رفتار ما **انقلاب** (طوره جدی برنامه ریزی داشته باشیم).

✓ قدردان زحمات علماء و مجاهدت های شهدای بسیاری در طول تاریخ باشیم و به جای خودخواهی، تسلی، بی نظیر...

✓ قدردان نظام و انقلاب اسلام باشیم، از فرصت پیش آمده جهت هر چه بهتر زمینه سازی ظهور بجهت بردار نمایم.

توصیه جماعته، تضعیف جنابته، تکمیل رسالته **بقره ۲۴۶-۲۴۹**

که قطعا خلاها، ضعفها و نقائص وجود دارد، اگر گرای خوش و نامحسوس اهم می باشد نبوده اند اما تضعیف نظام و انقلاب جنابته / آنچه رسالت منور شماست تکمیل این زمینه سازی است تا او بیاید...
✓ در پیش (تمیز، مرتب و معطر) باشیم و بر نماز اول وقت اصرار داشته باشیم.
✓ درباره مردم زود نصارت نموده و در هر زمینه ای با اسباب دلسوزانه رفتار نمایم. **سوره ۳**